

فاطمه (س) دارای القاب بی شماری است؛ زهرا، صدیقه، طاهره، راضیه، مرضیه، معصومه، بتول، کوثر، حوراء انسیه، محدثه، حانیه، عذرا، مبارکه و لقب های دیگر. در این میان لقب زهرا از شهرت بیشتری برخوردار است و گاه با نام او همراه می آید، فاطمه الزهراء زهرا در لغت به معنی درخشنده و روشن است. این لقب از هر جهت برزنده فاطمه است. از آن روزی که خود را شناخت و وظیفه خود را تعهد کرد تا امروز و برای همیشه چون گوهری بر تارک تربیت اسلامی می درخشد. او صدیقه است صدیقه فقط به معنای راستگویی نیست بلکه به کسی گفته می شود که بتواند صحنه و صفحه دلش را به گونه ای آماده کند که مخاطب حضرت دوست باشد. او طاهره است پاک و منزّه. او راضیه است به مقام رضا رسیده. او مرضیه است یعنی کسی که مورد رضای خدا قرار گرفته است و پروردگار از او راضی است. او معصومه است انسانی که معشوقش خداوند است و او نیز مورد عشق پروردگار می باشد به مقام عصمت می رسد. او بتول است هیچ گونه آلودگی جسمانی نیز در او راه ندارد. او کوثر است کوثر به معنای خیر کثیر است، هم چنین به کثیر النسل هم گفته می شود، کما این که نسل فاطمه در جهان معادل ندارد. به حوضی در بهشت نیز کوثر گفته می شود. نام سوره ای در قرآن نیز کوثر است که مربوط به فاطمه است. او حوراء انسیه است حوراء اشاره به بعد معنوی و انسیه اشاره به جنبه انسانی. یعنی مقام معنوی فاطمه در حد کمال در قالب جسمانی قرار گرفته است.



او محدثه است کسی که ملائکه با او سخن می گوید و به نوعی محل فرود و مراتبی از وحی قرار گرفته و مکاشفاتی دارد. جبرئیل بعد از رحلت رسول... به خدمتش رسید و صحیفه فاطمیه را به او وحی داد. این کتاب که هم اکنون در دستان مبارک امام زمان «عج» قرار دارد راجع به اولاد فاطمه (س) می باشد.



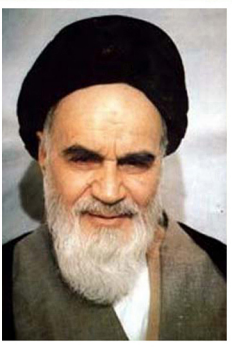
یک ورق روضه بخوان و یک نفس دل تازه کن
مشق اشک بر دل نویس و جان به جان وصل کن
WWW.VIJENAMEHA.IR

تازیانه

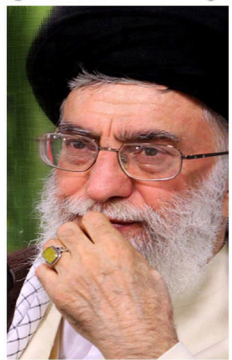
علامه مجلسی عهدنامه‌ای از خلیفه دوم برای معاویه در بحار الانوار آورده که ماجرای خود را با زهرا (ع) در آن حکایت کرده است.
از جمله در آن آمده: «به خانه علی آمدم تا مگر او را به زبانی بیرون کشم. کنیزک فضّه که به او گفتم: به علی بگو برای بیعت با ابوبکر بیرون آید که مسلمانان بر خلافت او اجماع کرده‌اند. گفت: امیرالمؤمنین مشغول است. گفتم: این را فراموش کن و به او بگو بیرون آید و الا داخل می‌شویم و او را به اکراه بیرون می‌آوریم.
فاطمه بیرون آمد. پشت در ایستاد و گفت: ای گمراهان دروغگو، چه می‌گویید؟ وجه می‌خواهید؟ گفتم: فاطمه! گفت: عمرا! چه می‌خواهی؟! گفتم پسر عمویت را چه شده که تو را برای پاسخ فرستاده و خودش پشت پرده نشسته است؟
گفت: ای شقی! طغیان تو مرا بیرون آورد و حجت را بر تو تمام کرد...
گفتم: این اباطیل و افسانه‌های زنانه را از سرت بیرون کن و به علی بگو بیرون بیاید.
گفت مورد احترام ما نیستی، عمرا! مرا از حزب شیطان می‌ترسانی؟ در حالی که حزب شیطان بس ضعیف است.



گفتم: اگر علی نیاید، هیزم می‌آورم و خانه را به روی ساکنانش آتش می‌زنم، و آنان را به آتش می‌کشم یا علی را برای بیعت می‌بریم. تازیانه قنغذ را گرفتم و زدم. به خالد بن ولید گفتم: تو با مردان هیزم فراهم کنید. خودم خانه را آتش می‌زنم.
فاطمه گفت: ای دشمن خدا و دشمن رسول او و دشمن امیرالمؤمنین. فاطمه دستهای خود را پشت در گذاشت تا مرا از باز کردن در بازدارد خواستم در را باز کنم. نتوانستم. پس با تازیانه به دستهایش زدم چنانکه دردش گرفت و من صدای ناله و گریه‌اش را می‌شنیدم. نزدیک بود که نرم شوم و از دم در بازگردم، اما کینه‌های علی و حرص او به خون دلیران عرب را به یاد آوردم... پس لگدی به در زدم که فاطمه شکمش را به آن چسبانده بود و پشت آن پنهان شده بود. چنان فریاد زد که گمان کردم که فریادش مدینه را زیر و رو کرد شنیدم که گفت: پدرا! یا رسول!... اینگونه با حبیبیه و دخترت رفتار می‌شود؟ آه: فضّه! مرا بگیر که به خدا قسم جنین داخل شکم کشته شد. و شنیدم که او را درد زایمان گرفته است. او به دیوار تکیه داده بود.
در را به داخل راندم و داخل شدم. به گونه‌ای در مقابلم ایستاد که جلوی دیدم را گرفت. از روی مقنعه چنان به گونه‌اش سیلی زدم که گوشواره‌اش کنده شد و روی زمین افتاد. علی بیرون آمد. چون احساس کردم که می‌آید، به سرعت بیرون دویدم و به خالد و قنغذ و کسانی که با آن دو بودند، گفتم: از خطر بزرگی نجات پیدا کردم». (بحار الانوار، ج ۳۰، صص ۲۹۳-۲۹۵)
در روایت دیگری آمده: «جنایت بزرگی مرتکب شدم و اینک بر خودم ایمن نیستم. این علی است که از خانه بیرون آمده. همه با هم طاقت او را نداریم. علی بیرون آمد. فاطمه دستانش را به سر برد تا آن را باز کند و از آنچه به او رسیده بود، از خدای بزرگ استغاثه کند. علی، پیراهنش را روی فاطمه انداخت و به او گفت: دختر رسول!... خداوند پدرت را برای جهانیان رحمت فرستاده است، پس تو نیز، ای سرور زنان برای این خلق نگویند بخت رحمت باش نه عذاب. درد زایمانش سخت شد وارد خانه شد و جنینی را سقط کرد که علی او را محسن نامید.
جمعیتی زیاد فراهم کردم نه برای مقابله با علی بلکه قلم به آنان محکم شود. آمدم و او را که در محاصره قرار داشت، از خانه‌اش بیرون آوردم... ابوبکر می‌گفت: وای بر تو عمرا! چه کاری بود که با فاطمه کردی؟!». (بحار الانوار، ج ۳۹، صص ۴۱-۴۲)



اصولاً رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) طبق روایاتی که داریم قبل از این عالم انواری بوده اند در ظل عرش مقاماتی دارند الی ماشاء... چنانکه بحسب روایات این مقامات معنوی برای حضرت زهرا (س) هم هست (ولایت فقیه، ص ۵۸، انتشارات آزادی قم)



«سمیت الزهراء زهراء لانها تزهرا لامیرالمؤمنین (ع) فی النهار ثلاث مرات بالنور» فاطمه را زهرا نامیدند چون روزی سه بار در چشم علی (ع) می درخشید (ستودگان و ستایشگران، سخنان مقام معظم رهبری، ص ۴۴)

فاطمه در قرآن

آیاتی در شأن فاطمه و دیگر افراد اهل بیت پیامبر (ص) نازل شده است که مصداق اتم و اکمل آن آیات می باشند و آنان نمونه کامل موضوع آیه می باشند. برخی از آیات که در شأن آنان نازل شده اند: آیه تطهیر (سوره احزاب / ۳۳): مصداق اهل بیت که مطهر و پاک می باشند فاطمه، علی و حسین است.

آیه مباهله (آل عمران / ۶۱): این آیه نیز همانند آیه تطهیر بزرگ ترین و مهم ترین سند افتخار و فضیلت خاندان پیامبر (ص) است که پروردگار آنان را برگزید و به عنوان شایستگان اسوه های بشریت معرفی نمود.

آیات سوره دهر (انسان / ۸): این آیات بخشی از سوره دهر است که در شأن علی (ع) و خانواده آن حضرت نازل شده است. سیاق آیات، سیاق سرودن یک داستان است. داستان واقعی مردمی از مؤمنین که قرآن نامشان را ابرار خواند. و از پاره ای کارهایشان یعنی وفای به نذر و اطعام مسکین و یتیم و اسیرشان خبر داده، ایشان را می ستاید و وعده جمیلشان می دهد.

آیه مودت (سوره شوری / ۲۳): اهل بیت پیامبر (ص) کسانی هستند که پروردگار مودت آنان را بر هر مسلمانی واجب کرده است و منظور از واجب کردن مودت اهل بیت تنها این است که محبت را وسیله ای قرار دهد برای این که مردم را به اهل بیت ارجاع دهد و اهل بیت مرجع علمی مردم قرار گیرند.

آیه ذوی القربی (اسراء / ۲۶): طبرسی با سلسله اسنادش از ابوسعید خدری صحابی پیامبر (ص) نقل می کند که وقتی این آیه نازل شد پیامبر فدک را به فاطمه بخشید.



فهرست غم

دل بی سوز و گداز از غم زهرا دل نیست

خون و اشک از دل و از دیده ما می جوشد

عمر کوتاه تو، ای فاطمه فهرست غم است

رفتی، اما ز تو منظومه غم بر جا ماند

اثر دست ستم از رخ نیلی نرود

با علی راز نگفتی تو زبازوی کبود

شهر اگر شهر تو، پس حمله به آن خانه چرا

داغ ما آتش و میخ در و سینه است هنوز

دل اگر نشکند از ماتم او، جز گل نیست

فاطمه صورت خود را ز علی می پوشد

قبر پنهان تو روشنگر اوج ستم است

با دل خسته و بشکسته علی تنها ماند

هرگز از یاد علی، ضربت سیلی نرود

با پدرگوی که بعد از تو چه بود و چه نبود

مرگ جانسوز چرا؟ دفن غریبانه چرا؟

مدفن گمشده در شهر مدینه است هنوز

قاسم نصیر پور

پاسخ به یک شبهه

پرسش: چرا به هنگام حمله دشمنان به خانه اهل بیت (ع)، حضرت زهرا (س) پشت درب خانه رفت؟ چرا امام علی (ع) در را باز نکرد؟

پاسخ: در مورد این که چرا حضرت زهرا (س) در آن لحظات به پشت در رفتند، باید نکته مهمی را در نظر داشته باشیم و آن موقعیت خاص آن حضرت است. قداست و موقعیت معنوی خاص حضرت فاطمه زهرا (س) به گونه ای بوده است که دقیقاً می توان گفت نظیر موقعیت خاص رسول خدا (ص) در میان مردم بوده است و رسول خدا (ص) در موقعیتهای مختلف و با طرق متعدد جایگاه معنوی این بانوی بزرگ اسلام را برای مردم بیان نموده است، به گونه ای که حتی فردی مثل یزید لعنت الله علیه که قاتل فرزند فاطمه (س) است، در مجلس شام حضرت فاطمه (س) را با قداست و عظمت یاد می کند و امروز نیز در جهان اسلام فرد مسلمانی را پیدا نمی کنید که معرفت به عظمت و قداست آن بانو نداشته باشد، با اینکه در طول تاریخ غالب مؤلفین کتب حدیثی و تاریخی چندان علاقه ای به نشر فضائل اهل بیت نداشته اند. خلاصه این که، زبان و قلم از بیان عظمت بانویی که رسول گرامی اسلام (ص) در برابر او خم می شده و دستانش را بوسه می زدند، عاجز و ناتوان است. حال با توجه به این موقعیت عظیم حضرت فاطمه (س) در میان مسلمین، قطعاً هیچ مسلمانی اصلاً به ذهنش خطور نمی کرد که یک مسلمان به خودش جرأت بدهد کوچکترین اهانتی نسبت به آن حضرت روا دارد و از این جهت حضرت زهرا (س) به پشت در آمدند تا از طرفی با جایگاه و شخصیت و منطبق قوی خود آنها را از خانه دور کنند و از طرف دیگر حمایت خود از حضرت علی (ع) را اعلام نمایند که مردم بدانند علی (ع) دارای چنان جایگاهی است که شخصیت با عظمت و با قداستی مانند حضرت زهرا (س) با تمام وجود از او حمایت می کند. و این در واقع اتمام حجت بوده است بر آن افراد، و اگر خود حضرت علی (ع) به پشت در می رفتند، ظالمین به اهل بیت پیامبر (ص) با جرأت بیشتر به خانه حمله می کردند و قهراً در پی سوزاندن در، امیرالمؤمنین (ع) دستگیر گشته و مسئله تمام می شده است، و بعدها می گفتند: دختر رسول اسلام (ص) فاطمه زهرا (س) نیز با امیر المؤمنین موافق نبود و اگر او از علی (ع) دفاع می کرد ما از علی (ع) دست بر می داشتیم. اما حضرت فاطمه (س) برای اینکه قاطع ترین حجت های الهی را بر آنها اقامه کند، به گونه ای که در پیشگاه خداوند متعال و پیامبر (ص) بلکه در پیشگاه تاریخ و مسلمانان هیچ عذری نداشته باشند، شخصاً به قیام برخاستند تا از یک طرف حجت های الهی را بر علیه آنها تمام نمایند و از طرف دیگر نهایت خبائثت و پلیدی دشمنان را برای همیشه در تاریخ و برای همه جهانیان، آشکار نمایند.

احادیث

در خدمت مادر باش که بهشت زیر پای مادران است. نهج الحیاه، ص ۳۱۲

فرزند کوچک من "حسین" در میدان جنگ کشته می شود. در کربلا فرزندم را با حیل و تزویر شهید می کنند، وای و نکبت و عذاب بر قاتلانش باد.

بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۹

آنگاه که در روز قیامت برانگیخته شوم، از گناهکاران امت پیامبر (ص) شفاعت خواهم کرد. احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۶۷

آن لحظه که زن در خانه خود می ماند، (و به امور زندگی و تربیت فرزند می پردازد) به خدا نزدیکتر است.

بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲



من بودم باب هل اتی را بستند امکان رسیدن به خدا را بستند ای کاش بمیرم که خجالت زده ام من بودم و دست مرتضی را بستند

ما زنده به لطف و رحمت زهرا ایم مامور برای خدمت زهرا ایم روزی که تمام خلق حیران هستند

ما منتظر شفاعت زهرا ایم

نگاه سرد مردم بود و آتش صدا بین صدا گم بود و آتش بجای تسلیت با دسته ی گل هجوم قوم هیضم بود و آتش

اگر محور به هر امکان علی بود ولی بر فاطمه مهمان علی بود کنار تربنت منظومه زهرا سر شب تا سحر گریان علی بود

چنان دست علی آتش برافروخت که حتی میخ در، در شعله اش سوخت

نداند کس بجز مولی الموالی چگونه میخ در، آن سینه را دوخت